

.....*Foreign*.....DEPARTMENT
.....*Persian*.....BRANCH
.....Controlling Agency

Post-Mutiny Papers.

Collection No. 201

CONSULTATION.....

Serial No.....*121*.....

Dated:— *Nil*

Subject.....*Mirza Mubt. 'Adul-Afgan*
Mirza Mubt. Karmush-Shuja'
and others under their seals, to
the king. Prays that he will
move the Lieut. Gov. of Ajra to
continue to them the stipend which
was stopped on the death of Mirza
Mubt. Dara Bakht.

Previous reference

Fol — I, Size — 23 1/2" x 7 1/2"

Later reference

Persian

بجز

درست حال که خواه در اطفال نمی نوحش غنی الیک بر اطفال آنها و شام هر خید حرمت بختی و سکونت بدری بعضی از آنها بر روی زمین
 و شهر که مظهر کبریا و انصاف است به مظهر و شای مراجه و خجسته و سعید بهادرم و صفا کرد و علامان لب لب اولادی آنها و اینکه در زمان مظهر بهجت
 میر و پیش بود سکوت و زردند که بعد از فصلی که اتفاق خود جلوه ظهور گرفت که در وقت و اتمه علیه اطفال برادر برادر را بر سرش نهاد و مظهر
 بنده کعبه سی رویه بر روی مکرر سینه نشانه مکرر نشان بجز مظهر بود بی نام آن و بعد تولد دختر از لطف عالمه زحم سطر که مستحق آن تر که خواه در بیعت
 لب و پشاش مقرر کردید مظهر اینجی بود صد که در خیر کشت زیرا که سیر و همیشه جمله اهل ایمان خدمت نشان بر مکتبی خواهد و بی موردی است اینها
 عدای سرکار چه مقرر کردی که عطیه سلطانیه نام هر کسکه مقرر شد لکن دلیل و طبقه بعد لطف بر سیر و خرد و بنا بر این جاری در کجاست و گاهی خانی که با او
 موجود بودن اولادش هر کسی از اهل این خاندان بجز الضیاط در آمده باشد و اینکه ما وصف تولد شدن دختر که شرعا و عرفا قابل در تمام است مثل وارث تویستی
 یا فکی مقرر که نخواهد کرد و در صورتی که در آنجا حکام نصف پرور سید که تر خدی عهد مکه امیری محبت است علامان می هستند که عرض حال بر
 خود مختص به بیان دارا در بیان نموده جهت ارقام باین شخص خاص کثرت خصم نام فرزند از عهد سلطان نظم الدوله بود و اسام بر بزن و همه این بنام عهد مکه
 عظام اسوه نوبیان لبه مقام عالمیت سلطانیه کور به او کرده عرض دادیم که عادتیه تازه انتقال سمات فرج عمل از تومیس مورت و پیش آمد و جو من بر ما
 موجود بودن دختر لطفی ضحاکت پرست از وقوع این تود و زرد و مدون و حسرت است افزود و موجب زید تحیر و تحکم و کلام بر او نیست که در او هر چه سلطان
 در سبیل دولت مقدر بعد عالمیت تامل بنامید برای عالم اری حضور زرد که این جهان است با جوی روشن که در بدو جلوس است مانوس کنفت
 و جهان بینی علم فرزندان خاص علی قدر است بهر موجب پیش در حضور زرا شایع بهادر متین چهار برادر و پانزده که اهل الان بنام اولاد ایشان
 و در برادر پیر جالب است کاتبان کشته و همین نور سلطنت زرا محمد دارا بهادرت مانع از آنست که در چهار رویه مظهر و سعید از زمین خواستند
 قاطباً محمود مانند اگر فراتر به نام مورت مانیر اعطیه سلطانی میر می کشت امروز بر کار علامان می نام و آن چهار رویه محمد استعمال مبر و مظهر مظهر
 بهر حال آنچه که از انصاف است رومه عده امیری چشم الله بر این علامان مقرر کردید بر آن مکتبی شا کرده بر عای دوام دولت سلطنت محمد لطف
 و شمول بودم الحال که با لطف سیر از زری و دوست با وجود وجود در دست قطع در برید بر خواه اموات جمله که در کشته پس صرت لبر مورت
 علامان و اولاد و انحاء و علامان حیت در آنکه زمان علامان و اولاد علامان بقصدان همیشه بنام شهنه بر نشان و جمیع خواستگاه

